

کلیات آثاری از سی حکیم عمر خیام

به اهتمام محمد عباسی



www.ketab.ir

زند ۱۳

سروشنامه: عباسی، محمد، ۱۲۹۵-۱۳۶۷.

عنوان و نام پدیدآور: کلیات آثار پارسی حکیم عمر خیام / به تحقیق و اهتمام محمد عباسی.

مشخصات نشر: تهران: هیرمند، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۳۰۰ ص.

شماره ثبت: ۲-۲۰۹-۴۰۸-۹۶۲-۹۷۸.

موضوعات: فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابخانه.

موضوع: خیام، عمر بن ابراهیم، ۴۲۲ - ۴۵۱۷ ق. — نقد و تفسیر

موضوع: شعر فارسی — قرن ۵ ق

رده بندی کنگره: ۸۲۰۸۱۲۸۹ و ۸۲۰۸۱۲۸۹

رده بندی دیویی: ۸۱۰.۹۲۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۰۰۶۲۳

www.ketab.ir

لیث گرافیک: اندای دانش / چاپ: نظر / صحافی: رونف
صفحات: ۱۵۰۰ / چاپ اول: ۱۳۹۰ / قیمت: ۱۰۲۰۰ تومان
آماده‌سازی: آتله‌ی هیرمند
طراحی گرافیک: مجله: کارگاه گرافیک منگی
شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۳۰۸ - ۲۰۹
همه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است.
مراکز فروش:



انتشارات هیرمند: میدان انقلاب، خیابان نیایی نژاد،
بین خیابان فخر رازی و خیابان ۱۲ فروردین، پلاک ۲۰۴
تلفن: ۶۶۴۰۹۷۸۷ www.hiranandpublication.com



شهر کتاب بوستان: پونک، مرکز تجاری بوستان، دور رینگ
تلفن: ۴۴۴۹۸۳۴۵ www.ebookecity.ir



فهرست مندرجات

پیشگفتار.....	۱۱
ابوالعلا و خیام.....	۱۷
معرفی نسخه‌ی اساس.....	۲۳
ریاضیات.....	۳۱
ضمایم و ملحقات.....	۹۷
مقامات ریاضی حکیم عمر خیام.....	۱۵۱
دایرةالمعارف اسلامی راجع به تقویم جلالی حکیم عمر خیام.....	۱۵۳
خیام واضع هندسه‌ی تحلیلی.....	۱۵۵
تحلیل جبر و مقابله‌ی خیام.....	۱۵۷
تتبعات تاریخی راجع به عمر خیام.....	۱۶۹
رسالات پارسی حکیم عمر خیام.....	۲۱۷
نوروزنامه.....	۲۱۹
رساله‌ی سلسله‌الترتیب.....	۲۸۱
ترجمه‌ی خطبه‌ی تمجید ابن سینا.....	۲۸۹
رسالة فی الاحتمال لمعرفة مقدارى الذهب و الفضة فی جسم مرکب منهما.....	۲۹۵

پیشگفتار

پیوند من با افکار و آثار حکیم عمر خیام یک تاریخچه‌ی سی ساله دارد. درست هنگامی که سیزده ساله بودم، نسخه‌ی نفیسی از مجموعه‌ی رباعیات حکیم، که در استانبول چاپ شده بود، به دستم افتاد و بلافاصله مشغول خواندن مقدمه‌ی مفصل و محققانه‌ی آن گشتم که به قلم میرزا حسین خان دانش^۱ و رضا توفیق، فیلسوف ترک، نگارش یافته بود، و در حدود سیصد و پنجاه صفحه‌ی وزیري حجم داشت. پس از اتمام قرائت مقدمه‌ی مذکور، شروع کردم به مطالعه‌ی متن رباعیات، که به ترتیب علمی بر حسب موضوع در دوست صفحه‌ی وزیري تقسیم‌بندی شده بود. به سرعت تمام اشعار حکیمانه‌ی موجود در آن مجموعه‌ی گرانها به لوح خاطر سپرده شد، و به مانند دیگر آثار منتخب نظم و نثر پارسی، از برگشت؛ و این نبود مگر از برکت نفس نفیس حکیم نیشابور، که اشعار آبدارش بدون هیچ‌گونه زحمتی به مانند مرواریدهای غلظانی در سلسله‌ی محفوظات خود به خود مسلسل و منتظم می‌گشت. از همان زمان فکر چاپ و انتشار مجموعه‌ای از رباعیات خیام به طرز انتقادی، که لااقل هم‌طراز با مجموعه‌ی منتشره از طرف مرحوم حسین دانش باشد، در مخیله‌ی نگارنده پیدا شد، ولی فقدان یک نسخه‌ی معتبر و قدیمی، که بتوان بدان اعتماد کرد، و یقین حاصل نمود که مندرجات آن بدون هیچ‌گونه بحث و تردیدی، تراوش مغز نابغه‌ی حکیم نامدار خراسان است، مانع وصول به مقصود و رادع تحقق آرزوی دیرین بود؛ تا این که خوشبختانه چندی پیش نسخه‌ی

۱. از شاعران بزرگ و نویسندگان نامی معاصر است، برای شرح حال وی رجوع فرمایند به ترجمه‌ی تاریخ ادبیات و مطبوعات ایران به قلم محمد عباسی، جلد اول، ۱۳۳۷ خورشیدی، تهران، و

Press and Poetry of Modern Persia by E. B. Groune p. 307; XVIII.

عتیقی از رباعیات حکیم که در حدود هشتصد سال پیش نوشته شده کشف شد. خصوصیات آن در مجله‌ی یادگار^۱ معرفی شد. و اخیراً یک نسخه‌ی عکسی از آن در رم انتشار یافت.^۲

در ملحقات نسخه‌ی حاضر به تفصیل و اشباع هر چه تمام‌تر تحقیقات دانشمندان ایرانی و اروپائی درباره‌ی زندگانی و آثار حکیم نامدار خراسان نقل شده است، و اینک در این پیشگفتار به ذکر چند نکته‌ای می‌پردازد که کم‌تر مورد توجه واقع شده است:

«اصحاب التینه» منشأ پیدایش داستان سه یار دبستانی؟

راجع به داستان مجعول هم‌درس بودن حکیم عمر خیام و خواجه نظام‌الملک و حسن صباح در تعلیقات نسخه‌ی حاضر به تفصیل تمام بحث شده، ولی در این مورد نکته‌ای به خاطر نگارنده رسیده است که علی‌الظاهر مورد توجه محققین واقع نشده. توضیح آن‌که در کتاب الوزراء و الکتاب تصنیف ابی عبدالله محمد بن عبدوس الجهشیری (طبع مصر، ص ۹۶) ضمن بحث از وزیران و دبیران روزگار منصور شرحی آمده است که ممکن است منشأ پیدایش داستان مجعول سه یار دبستانی تلقی شود:

«وكان يكتب لابی جعفر المنصور، عبد الملك بن حميد، مولی حاتم بن النعمان الباهلی، من اهل حران، وكان كاتباً متقدماً، فجلس فی يوم من ایام عطلة بحران، و یحیی بن زملة الصفری و عبید الله بن النعمان، مولی ثقیف، ورجلان آخران تحت شجرة تین، و ذلك بعد انقضاء امر بنی امیه، و مصیر الامر الی بنی العباس، فقالوا: لو اصبتا رجلا له سلطان انقطعنا الیه، و کنا فی خدمته، یرزقنا رزقاً نعود به علی عیالنا،

۱. یادگار، سال سوم، شماره‌ی سوم، صفحات ۵۳-۴۸، ۱۳۲۵ خورشیدی، تهران؛ لازمست متذکر شویم که نویسنده‌ی مقاله‌ی مزبور (اقبال آشنایی) را، در تعداد رباعیات نسخه‌ی مورد بحث اشتباهی دست داده، که از طرف دیگران در ایران و اروپا، بدون تحقیق و تنبُّع تکرار شده است. به تعلیقات نسخه‌ی حاضر مراجعه شود.
2. Omar Khayyām, Roba'iyyat, Traduction Pierre Pascal, 1959

این نسخه به مناسبت صدمین سال ترجمه‌ی انگلیسی فیتز جرالڈ انتشار یافته است، و بطوریکه در خاتمه‌ی این چاپ آمده، نسخه‌ی عتیق و گرانهای رباعیات حکیم عمر خیام، توسط عباس اقبال از ایران خارج و در مقابل چندین صد لیره به انگلیسان فروخته شده است.

فقال بعضهم: عسى الله عز وجل ان يسبب ذلك لنا او لبعضنا فيفضل علينا. فتوافقوا بينهم الا يصيب رجل منهم سلطاناً الا آسى اصحابه، و طلب المنصور كاتباً فوصف له عبد الملك بن حميد، فامر باحضاره، فاحضر، فقلد كتابته و دوآوینه، و تذكر عبد الملك اصحابه فاحضرهم، و قلدهم الاعمال فاثروا، و حسنت احوالهم، و كانوا اذ ذاك يعرفون باصحاب التينه.^۱

چنان که در تعلیقات گفته ایم، ضمن کتب مهم قدیمی که نام حکیم بزرگ خراسان در آن ها آمده است، باید این ها را به تحقیقات و تتبعات سابق افزود:^۲

«در مقالات شمس الدین تبریزی - نام خیام را در دو جا می یابیم: اول شمس، به مناسبتی به نام کتابی که محمد غزالی بر خیام خوانده است، تصریح می کند، و همان حکایت را که زکریا بن محمد بن محمود قزوینی در آثار البلاد و اخبار العباد، و یار احمد رشیدی در طریخانه ثبت کرده اند، به طریق اختصار بدین وجه نقل می کند: «محمد غزالی رحمه الله اشارات بوعلی را بر عمر خیام بخواند، او فاضل بود، جهت آن طعن زنند که در احیا که از آن استنباط کرد و باز بخواند، گفت فهم نکرده ای هنوز، سیم بار بخواند، مطربان و دهل زنان را آواز داد، تا چون غزالی از پیش او برون آید بزنند، تا مشهور شود که برو می خواند تا فایده دهدش.»^۳

«دوم به مناسبت ایراد کردن شیخ ابراهیم به شعر خیام که گمان می برم، این شیخ ابراهیم همان ابراهیم قطب الدین است، که افلاکی وی را از درویشان محمد بهاء الدین، پدر مولانا می شمرد، شمس تبریزی چنین می گوید: شیخ ابراهیم بر سخن خیام اشکال آورد که چون رسید، سرگردانی چون باشد؟ گفتم: آری صفت و صف خود می گوید. او سرگردان بود، باری بر فلک می نهد تهمت را، باری بر روزگار، باری بر بخت، باری نفی می کند باری اگر می گوید سخن هایی در وهم تاریک می گوید؛ مومن سرگردان نیست.»^۴

۱. کتاب الوزراء و الکتاب، جهشیاری، ص ۹۶، طبع مصر.

۲. در ذیل تعلیقات چهار مقاله به تحقیق علامه ی فقید محمد قزوینی چاپ دکتر محمد معین، ذکر این منابع نیامده است.

۳. مقالات شمس، نسخه ی کتابخانه ی دانشگاه استانبول، نسخ خطی فارسی، ۶۷۹۰، ۸۲ ب.

۴. مقالات شمس، ۱۱۰، آ، به نقل علامه ی محترم آقای گول پینارلی، در طریخانه ی رشیدی، ص ۱۳۷-۱۳۸.

در مقدمه‌ی کتاب العبر و دیوان المبتدا و الخبر فی ایام العرب و المعجم و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر تصنیف مورخ و فیلسوف مشهور عبدالرحمن بن خلدون المغربی معروف به مقدمه‌ی ابن خلدون، در الفصل الرابع عشر فی العلوم العددیه راجع به تطبیق براهین هندسی در جبر و مقابله اشارتی آمده که بنا به عقیده‌ی محققین اروپائی مربوط به حکیم عمر خیام است بدین ترتیب:

«...وقد بلغنا ان بعض ائمة التعالیم من اهل المشرق انهی المعاملات الی اکثر من هذه الستة الاجناس و بلغها الی فوق العشرين و استخرج لها کلها اعمالا و اتبعه براهین هندسیه^۱.

در تاریخ کبیر تألیف جعفر بن محمد بن حسن معروف به جعفری، که تاریخ عمومی ایران تا نیمه‌ی سده‌ی نهم هجری است، در ذکر تواریخ حکمای اسلام راجع به عمر خیام چنین آمده:

«عمر خیام از بزرگان حکماء اسلام بوده، و تمام حکماء اسلام به بزرگی او قائل اند، و از جهت ملکشاه زیج ساخته و خمسه‌ی مستوفیه تعیین کرده، و اشعار نیکو دارد. وفات او سال پانصد و بیست و شش هجری بوده^۲...»

فی الجملة از فرهنگ رشیدی تألیف عبدالرشید بن عبدالغفور الحمینی المدنی التوی باید نام برد که ذکر نامه‌ی حکیم سنائی خطاب به عمر خیام در آن آمده، و فقره‌ای از آن ذیل لغت هزینة به استشهدا نقل شده است.^۳ (رشیدی در اواسط سده‌ی یازدهم هجری در دربار مغول کبیر هندوستان می‌زیسته، برای شرح حال وی رجوع فرمایند به مقدمه‌ی فرهنگ رشیدی به قلم محمد عباسی صفحات ۱۳-۱۴، جلد اول، تهران، ۱۳۳۷ شمسی) اما از مستشرقین اروپائی نخستین شخصیت بزرگی که از شاهکار فلکی خیام یعنی زیج جلالی

۱. مقدمه‌ی ابن خلدون، ص ۴۸۴، طبع مصر.

۲. تاریخ کبیر جعفری، فرهنگ ایران زمین، ص ۱۴۵.

۳. فرهنگ رشیدی، چاپ محمد عباسی، تهران، ۱۳۳۷ خورشیدی.

به تفصیل و اشباع تمام سخن رانده، ژان شاردن، جهانگرد و فیلسوف معروف فرانسوی، است که سیاحت‌نامه‌ی وی در حقیقت دائرة‌المعارف تمدن ایران در دوره‌ی صفویه است، و از طرف نگارنده‌ی این سطور شش جلد آن در حدود چهار هزار به پارسی گردانیده شده است.^۱

www.ketab.ir

1. Voyages de Chardin en Perse et autres lieux de l'Orient 1673

ترجمه‌ی انگلیسی سیاحت‌نامه در سال ۱۶۸۶ و ترجمه‌ی آلمانی آن به سال ۱۶۸۷ میلادی منتشر شده است، و نیز رجوع فرمایند به ترجمه‌ی فارسی سیاحت‌نامه‌ی شاردن به قلم محمد عباسی، جلد دوم، ص ۳۶۲-۳۶۳، چاپ ۱۳۳۶ خورشیدی. و نیز جلد پنجم، تاریخ علوم ایرانیان، تهران، ۱۳۳۸ خورشیدی.